فیض الاسلام

مجرد، سید مصطفی

«فیض‏الاسلام» نامى آشنا در تاریخ معاصر مطالعات دینى است. این نام بیشتر با ترکیب اضافى «نهج‏البلاغه فیض‏الاسلام» شناخته مى‏شود. همین ترجمه (و شرح) از خطبه‏ها و نامه‏ها و کلمات قصار امیرالموءمنین على(ع) است که به خانه‏ها راه پیدا مى‏کند و سبب آشنایى نسل‏هاى متوالى از دهه 30به بعد مى‏شود. گرچه آن مرحوم قرآن کریم و صحیفه سجادیه را نیز به روش نهج‏البلاغه ترجمه و شرح کرده است، اما اقبال به «نهج‏البلاغه فیض‏الاسلام» بیشتر از آن دو دیگر بوده است.

به هر حال نویسنده در نوشتار ذیل ضمن استفاده از چند منبع و مأخذ شجره خانوادگى فیض‏الاسلام را همراه با آثار مختلف آن مرحوم معرفى مى‏کند.

حاج سیدعلى نقى «فیض‏الاسلام»؛ مترجم و شارح نهج‏البلاغه

مرحوم آیت‏الله حاج سیدعلى‏نقى دیباجى سدهى اصفهانى ملقب به «فیض‏الاسلام» درسال 1324 هجرى قمرى برابر با 1284هجرى شمسى در ده «فروشان» از توابع سده اصفهان متولد شد، خانواده او در طول قرون و اعصار از علما و خطبا بودند، این سیره آباء و اجدادى در شخصیت وى به شکل بارزى متجلى شد.

دوران کودکى را تحت تربیت پدر خود مرحوم سیدمحمد که از روحانیون شجاع و با اخلاص و با صفا درعلم و عمل بود، گذراند.

او در مقدمه ترجمه و شرح «نهج‏البلاغه» مى‏نویسد:

مرحوم پدرم آقا سیدمحمد درسال 1288ه.ق در سده اصفهان به دنیا آمد. و درسال 1355 در سن 67سالگى دنیا را بدرود گفت. و در مقابر آل امام جمعه نزدیک فرزندش مرحوم آقا سید غیاث‏الدین به خاک سپرده شد. آقا «سیدمحمد رحمة‏الله» به علم و عمل و تقوى و صفات پسندیده مشهور بود. در مدت عمر،هیچکس از او کوچکترین رنجشى پیدا نکرد.او در اصفهان علوم دینى را فراگرفت و دوره زندگانى خود را در سده (یکى از دهات بزرگ اصفهان) به تبلیغ دین مقدس اسلام و مذهب شریف جعفرى به سر برد و براى جلوگیرى از یاغى‏هایى که از حدود و مقررات اسلام تجاوز کرده، به حال و جان و ناموس مردم دست درازى مى‏کردند، لباس جنگ مى‏پوشید و تفنگ بردوش در جلو جمعیت بیشمار حرکت مى‏کرد.

و به همین جهت مومنین، کمال اخلاص و اعتقاد را به او داشتند و اکنون هم سرقبرش از خداوند حاجت مى‏خواهند.

مرحوم برادرم آقا سید غیاث‏الدین در ذیحجه 1315 ه.ق متولد شد و درسال 1349 از جهان هستى رخت بر بست و درمقابر آل امام جمعه (در زاویه مسجد جامع) سده دفن گردید.

آقا سید غیاث‏الدین تمام دوره زندگانى را در اصفهان و تهران و مشهد مقدس رضوى ونجف‏اشرف به تحصیل و تدریس علوم شرعیه و نشر احکام دین مقدس اسلام و مذهب جعفرى اشتغال داشت و براى مردم در مجالس بزرگ که در شهرهاى ایران منعقد مى‏شد در بالاى منبر، نطق‏ها و خطابه‏هاى علمى ودینى ایراد مى‏کردکه همه شنوندگان از سخنرانى او حظ وافر مى‏بردند.

مادر ما دو برادر، حیات‏سلطان، دختر شیخ فاضل آقا ملامحمد صادق بن ملا آقابابا سدهى اصفهانى در شب جمعه هفتم ماه محرم سال 1395 ه.ق در سده، دیده به جهان گشود و در روز چهارشنبه سلخ ماه جمادى‏الاول سال 1336 به رحمت ایزدى پیوست ودر تخت‏فولاد اصفهان و در جوار مرحوم شیخ مرتضى ریرى دفن شده است.

خیات سلطان داراى زهد و تقوى و در علم و دانش بهره‏مند بود. به طورى که مرحوم برادرم آقا سید غیاث‏الدین مقدمات علوم دینیه را از آن مرحومه یاد گرفته بود. (1)

پس از فوت پدرش درسال 1349ه.ق مقدمات علوم را نزد مادر فاضله‏اش (حیات‏سلطان) و برادرش آقا سید غیاث‏الدین فراگرفت و بعد رهسپار اصفهان شد و از محضر اساتید آن زمان در اصفهان بهره برد و سپس عازم مشهد مقدس شد و چندسالى را در جوار مرقد مطهرامام رضا(ع) اقامت گزید. و سپس در طى دوره سطح، به نجف‏اشرف مهاجرت کرد و در دروس فقه و اصول استادان آن روز نجف‏اشرف مانند: آقاى سیدابوالحسن اصفهانى، آقا ضیاءالدین عراقى، حاج شیخ محمدکاظم شیرازى، حاج شیخ عباس قمى، حاج شیخ على‏اکبر نهاوندى (رحمة الله علیهم) شرکت جست و پس از سالیانى تحصیل و تلاش و کوشش از محضر ایشان، اجازه اجتهاد و روایت دریافت کرد.

مرحوم آیت‏الله فیض‏الاسلام فلسفه و عرفان را نزد شیخ على‏اکبرنهاوندى خواند و سلوک و رفتار عارفانه که در اخلاق او بود، حاصل تراوش فکر و اندیشه والاى استادان او بود.

سیر استادان فیض‏الاسلام از شیخ على‏اکبر نهاوندى به ده واسطه به «صدرالمتالهین» مى‏رسید و این خلق و خوى در بین همه استادان وى به چشم مى‏خورد.

سیراستادان او از این قرار است:

سیدعلى‏نقى فیض‏الاسلام (م- 1364 ه-ش)

شیخ على‏اکبرنهاوندى (م-1366 ه- ق)

آقا محمدرضا قمشه‏اى (م- 1306 ه- ق)

میرزا ابوالحسن جلوه (م-1314 ه- ق)

حاج ملاهادى سبزوارى (م- 1289 ه-ق)

میرزا حسن نورى (م- 1264 ه- ق)

ملاعلى نورى (م- 1246ه-ق)

آقا محمد بیدآبادى (م-1197 ه-ق)

ملااسماعیل خواجوئى (م-1173 ه-ق)

ملامحمد صادق اردستانى (م- 1132 ه-ق)

ملامحسن فیض کاشانى (م- 1091 ه-ق)

صدرالمتالهین شیرازى (ملاصدرا) (م- 1050 ه-ق)

مرحوم آیت‏الله فیض‏الاسلام از جوانترین شاگردان مرحوم سید ضیاءالدین عراقى بود. روزى آن استاد فرزانه درپى سوءال و پاسخى که در درس شاگرد و استاد (مباحثه) اتفاق افتاد، مرحوم آیت‏الله سیدضیاءالدین عراقى فرموده بودند امروز از شما فیض گرفتیم و شارح نهج‏البلاغه که تا آن روز به نام «امامى» از او یاد مى‏شد و به این فامیل او را مى‏شناختند «فیض» لقب گرفت و پس از مدتى «فیض‏الاسلام» را جایگزین «امامى» کردند که تاکنون به این لقب شناخته مى‏شوند. (3)

وى پس از طى این دوره، در حدود سال‏هاى (1318و 1330) شمسى به ایران بازگشتند و در تهران ساکن شد و در طول بیش از چهل سال اقامت دراین شهر به کار ترجمه و تفسیر قرآن، نهج‏البلاغه و صحیفه سجادیه پرداختند که آثار او در دهها هزار مجلد چاپ و در سراسر کشور چاپ و توزیع شده است.

از جمله ویژگى‏ها اخلاقى و باطنى آن مرحوم، عشق و ارادت او به خاندان رسالت و عصمت و طهارت است.

ساده‏زیستى، توسل به ائمه اطهار علیهم‏السلام، تواضع و بى‏ادعایى از دیگر خصوصیات اخلاقى آن عالم بزرگوار است. (4)

ترجمه‏هاى فیض‏الاسلام از قرآن، نهج‏البلاغه و صحیفه سجادیه، احاطه او به زبان و ادب فارسى است.

واژه گزینى زیبا در ترجمه فیض‏اسلام از قرآن عظیم هم از جهت ویژگى‏هاى ترجمه، هم از نظر نحوه انتخاب واژه، سزاوار بررسى است. شیوایى و رسایى ترجمه، همراه با تفسیر و الحاق و توضیحات ترجمه از ویژگى‏هاى ترجمه فیض‏الاسلام به شمار مى‏رود. (5)

فیض‏الاسلام در ترجمه قرآن به نکات اساسى همچون فقه و موازین شرع مقدس و کاربردعملى آن دقت وافى نموده است.

بررسى برخى از نمونه‏ها، تأثیر دانش فقهى در ترجمه آیات قرآن کریم، موضوع دخالت فقه در ترجمه و تفسیر متون مقدس به ویژه قرآن کریم را، آشکارتر مى‏کند.(6)

ترجمه فیض‏الاسلام از منظر کاربرد شناختى اهمیتى بسیار دارد. ترجمه او همچون کتابى فرهنگساز و آیین‏گستر، نقش تاریخى خود را به درستى ایفا کرده و گذشته به آینده پیوند زده است. این کارکرد تاریخى، ترجمه فیض‏الاسلام را از حیث پر کردن خلأها، اقبال مخاطبان، انتخاب درست و آثار فرهنگى دینى، ممتاز کرده و رخصت بخشیده است. در بررسى موءلفه‏هاى سبک‏شناختى ترجمه فیض‏الاسلام با عناصر واژگانى و متنى، علمى و تاریخى و حتى فکرى و فرهنگى ویژه‏اى رویارو مى‏شویم. در این نگاه، ترجمه فیض‏الاسلام در موزانه با نثر معیار تشخص مى‏یابد. از رهیافت ترجمه واژه به واژه در زمانه خود مى‏پرهیزد، با تأملات واژه شناختى، آغازگر عصر ترجمه‏هاى نهج‏البلاغه مى‏شود.

یکى دیگر از بنیادهاى نظرى مباحث ترجمه، مفاهیم معنى شناختى است. این بعد کوشش مترجم براى تطبیق ساختار هر دو زبان، ایجاد و القاى زمینه‏هاى نحوى و سبکى، انعکاس وجوه زیبایى شناختى متن و توجه به الزامات زبان شناختى را دربر مى‏گیرد.

فیض‏الاسلام در ترجمه خود از باز کردن صرف به تفسیر مى‏رسد و بر بنیاد انگاره‏هاى معرفتى ویژه، ترجمه خود را سامان مى‏دهد، به انتقال معانى مى‏اندیشد و در عین آشکارى، آشکارگرى مى‏کند.

این سویه‏هاى معنایى در توجه به «قرآن، سنت، اسباب تاریخى و الزامات بلاغى، کنایى و زیباشناختى جلوه مى‏یابد.

از حیث موءلفه‏هاى ریخت‏شناسى ترجمه فیض‏الاسلام از نهج‏البلاغه ساختار ویژه‏اى دارد، مترجم در بازگردان خود به جز متن، به فرامتن هم مى‏نگرد. و نسخه‏اى منقح را، اساس کار خود مى‏گیرد. به نمود آیینى شکل خط توجه مى‏کند و ترجمه خود را در ردیف کتاب‏هاى دینى درمى‏آورد.

نگاهى به موءلفه‏هاى روان‏شناختى ترجمه فیض‏الاسلام نیز از والایى و ارج آن حکایت دارد. انتخاب درست و هوشمندانه متن نهج‏البلاغه براى ترجمه، انگیزه فرهنگگسترى و آموزه‏هاى شیعى و سرانجام رویکرد دانشنامه‏نگارانه از این موءلفه‏هاى روان‏شناختى به شمار مى‏آیند(7)

دکتر محمد حسین مدرسى اسفه‏اى متخلص به قانع در تقریط این کتاب ترجمه نهج‏البلاغه در اول مهرماه 1326 در پشت جلد اول این چنین مى‏نگارد:

حبذا زین کتاب عالى قدر

که ندارد برش لآلى قدر

در میان کتاب‏ها چون شمع

زبده‏هاى علوم دردى جمع

جمع در آن لآلى قرآن

بلکه آن پست تالى قرآن

حجت قاطع است آیاتش

رمز اسرار حق کنایاتش

گر چه دون کلام خلاق است

بعد احمد به مرتبت طاق است

هست آثار حضرت مولى

شاه مردان على ولى‏الله

تا ضرورت نباشدش مانع

قانع از آن نمى‏شود قانع

آثار علمى که از حاج سیدعلى نقى فیض‏الاسلام به جا مانده از این قرار است:

1- ترجمه و خلاصه تفسیر قرآن کریم در سه جلد، که حاوى مطالب کلیه تفاسیر معتبر شیعه است.

2- ترجمه و شرح نهج‏البلاغه در شش مجلد که چهار جلد نخستین آن خطبه‏ها و جلد پنجم نامه‏ها و جلد ششم کلمات قصار و سخنان کوتاه آن حضرت است.

3- ترجمه و شرح صحیفه کامل سجادیه، که پنجاه و چهار دعاى حضرت سجاد(ع) را شامل است.

4- نبادرالبحار در چهار مجلد که متأسفانه فقط یک جلد آن چاپ شده است که گلچینى از روایات ائمه معصوم علیهم‏السلام است.

5- خاتون دوسرا، درخصوص زندگانى حضرت زینب کبرى(س) که آن مرحوم این کتاب را در اداء نذر خود به رشته تحریر درآوردند.

6- الافاضات الغرریه فى اصول الفقهیه، که به زبان عربى و در باب اصول فقه است. و چندین کتاب دیگر که بعضى از آنها به چاپ رسیده است و تعدادى دیگر منتشر شده است.(8)

او سیدى صحیح‏النسب است و به چهل واسطه به حضرت امیرالموءمنین على‏بن ابیطالب علیه‏السلام مى‏رسد.(9) شجره‏نامه پیوست است.

سرانجام در سال 1364 هجرى شمسى مرحوم فیض‏الاسلام در سن 81 سالگى در تهران چشم از جهان فروبست و در بهشت زهرا در کنار شهداى انقلاب و جنگ تحمیلى و در جوار رحمت واسعه الهى آرمید.

منابع:

1) ترجمه و شرح نهج‏البلاغه- فیض‏الاسلام، صفحه «ب».

2) حکما و عرفا متأخر بر صدرالمتألهین، منوچهر صدوقى سها.

انجمن حکمت و فلسفه ایران، ص 102.

3) گوشه‏اى از زندگى‏نامه آیت‏الله فیض‏الاسلام، همایش ترجمانى متون مقدس، ص 6.

4) در ساحت فیض... مقاله آقاى ناصرالدین انصارى قمى، ص 12.

5) همان. چکیده مقاله، آقاى غلامعلى همایى، ص 72.

6) همان. چکیده مقاله آقاى محمدعلى سلطانى، ص 46.

7) یادگار نامه فیض‏الاسلام، صص 66- 97.

8) بروشور پاس‏داشت مقام علمى آیت‏الله فیض‏الاسلام، ص 5.

9) ترجمه و شرح نهج‏البلاغه...، ص 218.